

داستان نوح و طوفان بزرگ



چه روز بزرگ و کشتی بیرون بیاید. نوح و خانواده‌اش کمک کردند تا حیوانات نیز از کشتی خارج شوند.

خدا به نوح گفت که وقت آن رسیده که از کشتی بیرون بیاید. نوح و خانواده‌اش کمک کردند تا حیوانات نیز از کشتی خارج شوند.

خدا وعده بزرگی به نوح داد که دیگر برای تنبیه مردم چنین سیل بزرگی نخواهد فرستاد و یک نشانه بزرگی

برای نگره داشتن و عده‌اش به آنها داد. رنگین کمان نشانه عهد خدا با نوح بود.

نوح و خانواده‌اش بعد از آن باران و سیل زندگی جدیدی را شروع کردند. او و نسل بعد از او

زمین را پر کردند.

داستان نوح و طوفان بزرگ

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

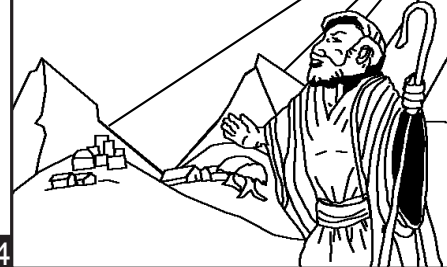
بر اساس

پیدایش ۶-۱۰

"کشف کلام تو نور می‌بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰

تمام نسل بشر از نوح و فرزندان او می‌باشد.

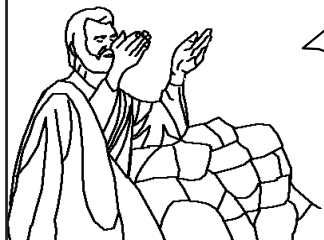


خدا به نوح گفت: "من این دنیای گناهکار را از بین خواهم برد و تنها خانواده تو نجات خواهند یافت."

نوح مردی بود که همیشه خدا را عبادت می‌کرد در حالی که بقیه مردم از خدا برگشته بودند و از خدا ناطاعتی می‌کردند.

روزی خدا سخنی

گفت که بسیار شگفت‌آور بود.



2

1

فارسی

Persian

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند. مجازات گناه مرگ است.

خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر بیگانه خود را فرستاد تا با مرگش بر روی صلیب مجازات گناه ما را بپردازد. عیسی پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. به این وسیله خدا اکنون می‌تواند گناهان ما را ببخشد.

اگر می‌خواهی از گناهان خود توبه کنی، این دعا را نزد خدا بکن: خداوندا من ایمان دارم که عیسی برای گناهان من مرد و اکنون دوباره زنده است. خواهش می‌کنم وارد زندگی من بشو و گناهان مرا ببخش تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو باشم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن!



خدا به نوح هشدار داد که طوفان و سیل بزرگی خواهد آمد به طوری که تمام زمین زیر آب خواهد رفت. خدا به نوح گفت: "یک کشتی بزرگ بساز به طوری که خانواده تو و نیز یک جفت از هر حیوانی در آن جا بگیرد."

3



وقتی آن شده بود که حیوانات به داخل کشتی برده شوند. یک جفت از هر نوع حیوان را به داخل کشتی آورد.

4



پرنده‌ها بزرگ و کوچک، جانوران بزرگ و کوچک، قد بلند و ریزه میزه، همه به ترتیب وارد کشتی شدند.

5



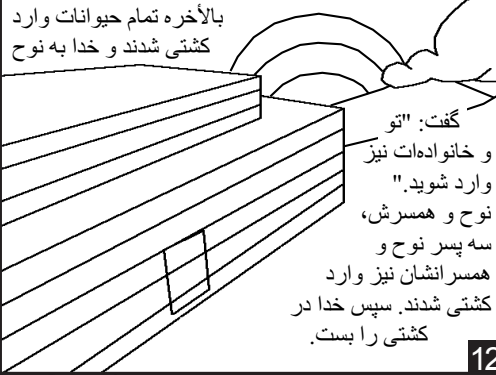
در حالی که نوح حیوانات را به داخل کشتی می‌برد مردم او را مسخره می‌کردند.

6



نوح ایمان عظیمی داشت. اگر چه تا آن موقع بارانی نباریده بود ولی برای ساختن کشتی به خدا اعتماد کرد. با پشتکار نوح کشتی آماده شد تا بارگیری کند.

7



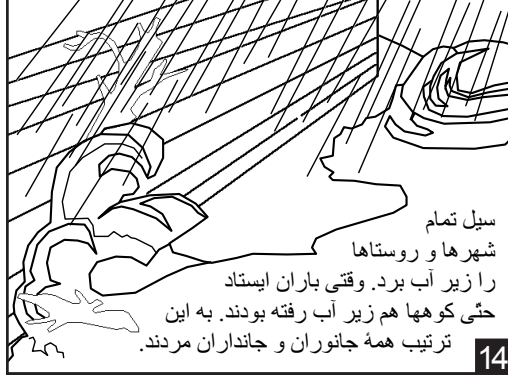
بالاتر از تمام حیوانات وارد کشتی شدند و خدا به نوح گفت: "تو و خانوادهات نیز وارد شوید." نوح و همسرش، سه پسر نوح و همسرانشان نیز وارد کشتی شدند. سپس خدا در کشتی را بست.

8



پس از آن باران شروع به باریدن کرد. باران سیل‌آسایی برای مدت چهل شبانه روز از آسمان به زمین می‌بارید.

9



سیل تمام شهرها و روستاها را زیر آب برد. وقتی باران ایستاد حتی کوهها هم زیر آب رفته بودند. به این ترتیب همه جانوران و جانداران مردند.

10



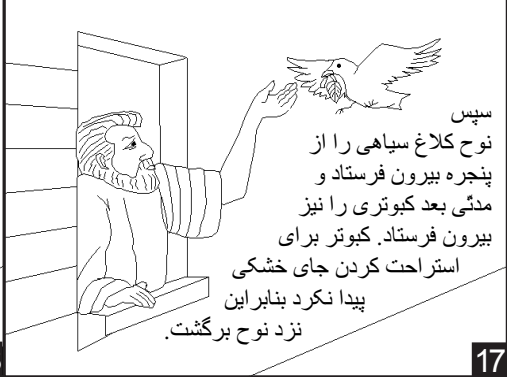
به محض این که آب زیاد شد، کشتی بر روی آب به حرکت آمد. شاید داخل کشتی تاریک بود و شاید هم ناهموار یا حتی ترسناک، اما نوح و خانواده‌اش و حیوانات در داخل آن از سیل و مرگ نجات یافتند.

11



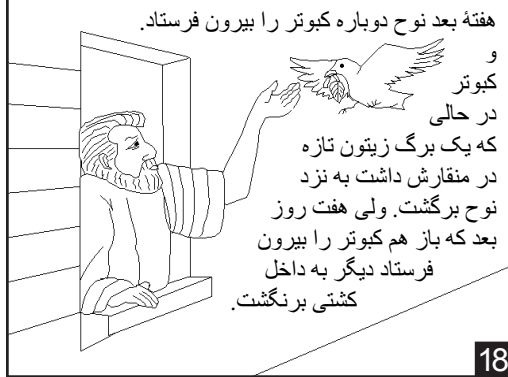
بعد از پنج ماه از بارش باران خدا طوفانی فرستاد تا دوباره خشکی ظاهر شود. آرام آرام کشتی روی کوه آرات نشست. نوح چهل روز دیگر داخل کشتی صبر کرد تا آب کمتر شود.

12



سیل تمام شهرها و روستاها را زیر آب برد. وقتی باران ایستاد حتی کوهها هم زیر آب رفته بودند. به این ترتیب همه جانوران و جانداران مردند.

13



نوح کلاغ سیاهی را از پنجره بیرون فرستاد و مدتی بعد کبوتری را نیز بیرون فرستاد. کبوتر برای استراحت کردن جای خشکی پیدا نکرد بنابراین نزد نوح برگشت.

14



نوح کلاغ سیاهی را از پنجره بیرون فرستاد و مدتی بعد کبوتری را نیز بیرون فرستاد. کبوتر برای استراحت کردن جای خشکی پیدا نکرد بنابراین نزد نوح برگشت.

15



نوح کلاغ سیاهی را از پنجره بیرون فرستاد و مدتی بعد کبوتری را نیز بیرون فرستاد. کبوتر برای استراحت کردن جای خشکی پیدا نکرد بنابراین نزد نوح برگشت.

16



نوح کلاغ سیاهی را از پنجره بیرون فرستاد و مدتی بعد کبوتری را نیز بیرون فرستاد. کبوتر برای استراحت کردن جای خشکی پیدا نکرد بنابراین نزد نوح برگشت.

17



نوح کلاغ سیاهی را از پنجره بیرون فرستاد و مدتی بعد کبوتری را نیز بیرون فرستاد. کبوتر برای استراحت کردن جای خشکی پیدا نکرد بنابراین نزد نوح برگشت.

18